



# پدیدارشناسی آگاهی ایرانی از مفهوم دولت

## معرفی کتاب

### تحول مفهوم دولت در ایران معاصر

نویسنده: داود بیات  
انتشارات: لوگوس  
قیمت: ۴۳۰ هزار تومان



فرزاد نعمتی  
خبرنگار گروه فرهنگ

راینهات کوزلک که گادامر او را «تاریخدان متفکر» می‌نامید، از جمله اندیشمندانی است که تأملات او درباره «تاریخ مفاهیم» (History of Concepts) و روش‌شناسی خاصی که در این زمینه بنیاد نهاد، در سال‌های اخیر بیش از پیش مورد توجه محققان ایرانی قرار گرفته است.

نخستین بار نام او در نشستی که درباره نقد پروژه فکری سیدجواد طباطبایی برگزار شده بود، بر زبان هاشم آقاجری به‌وجهی طعنه‌آمیز و به‌زعم خویش رسواگرانه بر زبان آورده شد. از جنجال‌های آن نشست و اتهام «انتحال» صادر شده در آن که بگذریم، در سالیان اخیر برخی از مترجمان به بازگردان بخشی اندک از آثار کوزلک همت گمارده‌اند و اینک داود بیات، نویسنده کتاب «تحول مفهوم دولت در ایران معاصر» کوشیده با استفاده از رهیافت نظری کوزلک به این پرسش بپردازد که «مفهوم دولت در تعامل بی‌واسطه با تجربه تاریخی ناشی از بحران نوپدید حاصل از هویداشدن مفهوم نوین دولت، در دوران آستانه‌ای خود، با کدامین لایه‌های معنایی خود در زبان زمانه، ظاهر شده و چه تحولات معنایی و مضمونی را تجربه کرده است؟»

در همین پرسش بنیادین کتاب، ردیاب رویکرد کوزلک مشهود است. می‌دانیم که پروژه او بر «تاریخ‌مندی مفاهیم» متمرکز است و مفروض اساسی آن این است که مفاهیم بنیادی چون دولت، دموکراسی، جمهوری، سلطنت و... در بستر تجربه‌های تاریخی متفاوت، در افق‌های انتظار مختلف و بنا به فرآگیری در «زمان آستانه‌ای»، مضامین و دلالت‌های خاص خود را پیدا می‌کنند که با آن فهم فرزانگی و فرامکانی که از «ایده» متافیزیکی و افلاطونی شایع است، تفاوتی معنادار دارد. از این منظر، بیات بر طرز ظهور بحرانی آگاهی از دولت در ایران تکیه می‌کند و با تمرکز بر دوره‌ای از تاریخ دوره قاجار - از وقوع جنگ‌های ایران و روس به‌مثابه «آغاز دوران آستانه‌ای ایران» تا مشروطه چونان «نقطه اوج» آن - می‌کوشد نشان بدهد چگونه در این بازه تاریخی، فهم‌های متفاوت از دولت در جدال و رقابت با یکدیگر، در تعامل دیالکتیکی «زبان» و «واقعیت» (یا همان مفهوم و تاریخ) به شکل رویارویی و «هم‌زمانی» ناهم‌زمان‌ها، به شکل‌گیری فضایی بحرانی و آکنده از ابهام و ابهام می‌انجامد.

براساس نظریه «لایه‌های زمان» کوزلک، در «زمان آستانه‌ای ایران»، دو مفهوم قدامی و جدید از دولت در میان ایرانیان ظهور پیدا می‌کند. این دو لایه، نظیر دو قشر از لایه‌های خاک از یکدیگر مجزا هستند، اما در عین حال در کنار هم هستند. از بُعد مکانی فاصله‌ای اندک با یکدیگر دارند، اما از نظر زمانی به دو جهان

تعلق دارند و بنابراین فهم از دولت در این دوره در حد فاصل این مناظره پیدا و پنهان، لاجرم به طرز روشنی آشکار می‌شود.

در یک لایه با سویه‌های ظل الهی، پدروارگی، شبان‌وارگی و سلطنت مسئله مواجهیم و در لایه دیگر مفهوم جدید از دولت با مفاهیمی همبسته آن چون «قانون»، «تفکیک قوا» و «انقلاب» در آستانه آگاهی ایرانی قرار می‌گیرد.

اهمیت پژوهش بیات در آن است که با تقسیم‌بندی مفصل و با ارجاع گسترده به منابع (تجربه زبانی) و رخدادها (تجربه عینی) سیر تطور هم‌زمان این دوگانه‌های ناهم‌زمان را توضیح می‌دهد. او در فصل دوم در عین حالی که از فهم قدامی از دولت لایه‌برداری معنایی می‌کند، خواننده را بدین نکته نیز رهنمون می‌کند که در نیمه اول قرن سیزدهم هجری شمسی درک قدامی از دولت که دولت را امری ازلی و طبیعی می‌پنداشت، دچار بحران و ابهام شده است. در ادامه در فصل سوم به تجربه امیرکبیر و ملوک‌خان در دوره «بحران، نقد و نوآوری» چونان تکوین اولیه مفهوم جدید دولت می‌پردازد.

این تجربه نوظهور البته در دوره‌ای که بیات آن را «دوره بحران و نقد» می‌نامد، واکنش‌هایی نیز از جانب گروه مقابل در بر دارد؛ متونی چون «رساله‌های جهادیه» که می‌کوشند با «بازگشت به لایه‌های معنایی مفهوم قدیم دولت، بحران عارض بر آن را رفع کنند.» بازسازی مفهوم قدیم دولت در قالب «سلطنت مستقله» نیز از همین منظر قابل توضیح است.

در فصل چهارم، همین «تداوم ابهام در مفهوم قدیم دولت» صورتبندی می‌شود. در فصل پنجم اما با تأکید بر ماجرای رژیم (بحران تنباکو) و ترور ناصرالدین‌شاه و با کاوش پیرامون ظهور زبانی فهم نوین دولت در میان بازگشت ایرانی در قالب «مجلس مشورتی تجار» و نیز بازسازی مفهوم قدیم دولت با تأکید بر «مطلقیت سلطنت مطلقه»، «تزلزل مفهوم قدیم دولت» در دوره «بحران و اعتراض» به بحث گذاشته می‌شود.

موضوع فصل ششم «طلوع مفهوم انقلاب در افق فهم ایرانی» و آثار تکوین این فهم بر فهم دولت است و در آن نویسنده آگاهی نوظهور از دولت را که اینک شکلی توده‌ای یافته، از طریق بررسی شب‌نامه‌ها، تلگراف‌ها، مجالس وعظ و سخنرانی‌های کسانی چون میرزاآقاخان کرمانی، جمال‌الدین واعظ اصفهانی و ملک‌المتکلمین به بررسی می‌نشیند. در نهایت در فصل هفتم اما مجلس شورای ملی به‌مثابه «مکان عینیت یافتن مفهوم نوین دولت» و قانون اساسی چونان تبلور این منازعه تاریخی در ساحت زبان قانون به بحث گذاشته می‌شود؛ امری که خود را در تقابل دو مفهوم «دولت مشروطه» و «دولت مشروطه» نشان می‌دهد.



یافتن مفهوم نوین دولت و قانون اساسی چونان تبلور این منازعه تاریخی در ساحت زبان قانون به بحث گذاشته می‌شود؛ امری که خود را در تقابل دو مفهوم «دولت مشروطه» و «دولت مشروطه» نشان می‌دهد.

را در اجرای قوانین ضدیهود در دانشگاه فرایبورگ تشریح می‌کند. هایدگر در کنار ارنست کریک و آلفرد باتوملر، یکی از چهره‌های کلیدی انقلاب محافظه‌کاری بود که در ابتدا توسط نازی‌ها تأیید شد. در مقابل، برخی از جمله فرانسوا آفدیه و ژولیان یانگ معتقدند: «هایدگر به‌دنبال سرسپردگی دانشگاه به دولت نبود بلکه هدفش محافظت از دانشجویان در برابر تبلیغات افراطی نازی‌ها بود.» اما واقعیتی که وجود دارد و با وجود آن نمی‌توان هیچ‌طور این فیلسوف را در باره‌ی ارتباطش با حزب نازی تطهیر کرد این است که هایدگر با این که به‌عنوان رئیس دانشگاه، دانشجویان را از نمایش پوستر ضدیهودی در ورودی دانشگاه و کتاب‌سوزی بر حذر می‌داشت اما ارتباط نزدیکی با رهبران دانشجویی نازی داشت و به‌وضوح با فعالیت‌های آن‌ها همسویی نشان می‌داد.

ویکتور فارپاس در کتاب «هایدگر و نازیسم»، درباره‌ی هایدگر و دوران ارتباط او با ناسیونال سوسیالیسم تحقیق کرده است؛ موضوعی که هر بار صحبت از هایدگر به میان می‌آید ناگزیر پیش به میان کشیده می‌شود. این کتاب که در سال ۱۹۸۷ به فرانسه منتشر شده است، در سراسر اروپا از استقبال پرهیاهویی برخوردار شد و موضوع بحث‌های شدید ادامه‌دار بود. فارپاس، حرفه‌ی هایدگر - یکی از اثرگذارترین فیلسوفان قرن بیستم - را بررسی می‌کند و همکاری نزدیک او با نازیسم را در بیشتر زندگی حرفه‌ای‌اش مستندسازی می‌کند. اگر چه محققان مدت‌هاست در مورد تعهد هایدگر به ناسیونال سوسیالیسم خبر داشتند، اما عموماً تصور می‌شد که او قبل از شروع جنگ جهانی دوم از هیتلر دلسرد شده بود. اما فارپاس پس از بیش از یک دهه مطالعه در آرشیوهای مختلف، پرونده‌ای دقیق و همراه با جزئیات را ارائه داده که در آن حمایت اولیه‌ی هایدگر به نازیسم هیتلر و بعدها نسخه‌ی شخصی‌تر او را از ناسیونال سوسیالیسم ارائه می‌دهد. واقعیت این است که پایبندی به این ایده‌ها در تفکر هایدگر محوری بود. قبل از سمت او به‌عنوان رئیس دانشگاه فرایبورگ او در طول زندگی‌اش ادامه یافت. فارپاس در کتابش به‌طور کامل این ادعا را بررسی می‌کند که هایدگر، که در سال ۱۹۷۶ درگذشت، یک عمر ضدیهود بود. او تأکید می‌کند که هایدگر، هیتلر راننده‌ی همتایان خودستایش می‌کرد جنایات نازی‌ها را محکوم نمی‌کرد و حتی به‌نظر می‌رسد پس از جنگ از عقاید قبلی‌اش چشم‌پوشی نکرد.

در حالی که هایدگر قبلاً با پذیرش رایش سوم در بدترین حالت ساده‌لوح به‌نظر می‌رسید، شواهد فارپاس نشان می‌دهد که او تنها فیلسوف بزرگی است که آرزای نازیسم را پذیرفته و نمونه‌ی مسلم‌شر مطلق در دوران مدرن است. همکاری هایدگر با حزب نازی یکی از مسائل اخلاقی است که ما را بر آن می‌دارد تا پرسش‌هایی در مورد رابطه‌ی بین سیاست و فلسفه و پیوند فرضی بین فلسفه، فضیلت و یکپارچگی اخلاقی را مطرح کنیم. همچنین درک‌مان از معنای خیانت به عقل در جامعه‌ی معاصر را نیز مورد بازنگری قرار دهیم.

این کتاب میراث فلسفی مارتین هایدگر را با توجه به پیوندهای او با ناسیونال سوسیالیسم ارزیابی و استدلال می‌کند که پیوندهای هایدگر با این ایدئولوژی مبتنی بر اعتقاد واقعی بود تا سازش صرف کرده و صراحتاً یا نظرات مدافعان هایدگر در این باره مخالفت کند. فارپاس همچنین پیوندهای بین فلسفه هایدگر و ایدئولوژی نازی را بررسی و پیشنهاد می‌کند که برخی از رویکردهای فلسفی هایدگر ممکن است ناخواسته از ایده‌های فاشیستی حمایت کنند.

شاید آن‌هایی که هوادار هایدگر باشند با خواندن این کتاب خشمگین شوند زیرا فارپاس با اسناد و مدارک فراوان روابط هایدگر با نازی‌های آلمان فاشیست‌های ایتالیایی اثبات می‌کند و حقیقتی که در لفاظی پژوهش‌های دانشگاهی از مردمان پنهان نگه داشته شده بود را به داوری عموم گذاشته است. بعد از این کتاب تفکیک هایدگر فیلسوف خالق «هستی و زمان» و هایدگر نازی غیرممکن خواهد شد. «هایدگر و نازیسم»، نوشته‌ی ویکتور فارپاس، با ترجمه البرز حیدری پور توسط نشر مرکز منتشر شده است.

سینما را زیرمجموعه‌ای از جامعه‌شناسی هنر می‌دانند و جامعه‌شناسی هنر نیز به‌طور کلی شاخه‌ای از علم جامعه‌شناسی و به‌طور خاص شاخه‌ای از جامعه‌شناسی معرفت است. فیلم‌ساز تحت تأثیر جامعه و دید زیبایی‌شناسی خود دست به خلق آثار هنری می‌زند. تحلیلگر سینما در جامعه‌شناسی سینما دنیای سینمای آن جامعه را تحلیل می‌کند و به دنبال این است که چرا چنین فیلمی در چنین جامعه‌ای ساخته شده است؟ نشانه‌ها در جامعه چه تأثیری داشته‌اند که سبب ساخت فیلم شده‌اند؟ دکتر پرویز اجلائی، پژوهشگر سینما در تعریف جامعه‌شناسی سینما و فیلم می‌گوید: «جامعه‌شناسی فیلم مطالعه جهان درون فیلم‌ها و رابطه‌اش با جهان اجتماعی است که به کمک تحلیل دقیق تعامل میان متن و فرامتن حاصل می‌شود و فهم اجتماعی فیلم را ممکن می‌کند.»

اندیشمندان علوم اجتماعی از زاویه‌های مختلفی به رابطه‌ی میان سینما و جامعه نگاه کرده‌اند. این دیدگاه گاه جنبه‌ی کلان و گاه جنبه‌ی خرد داشته است. دیدگاه مکتب فرانکفورت و آرنولد هاوزر، دیدگاهی به‌طور عمده کل‌نگر، و دیدگاه پی‌یر سورن و آی. سی. جوری دیدگاهی به نسبت جزئی‌نگر هستند. از نظر رابطه با مفاهیم بازتاب و شکل‌دهی، می‌توان گفت نظریه‌ی مکتب فرانکفورت بیشتر متعلق به رویکرد شکل‌دهی و نظریه‌ی سایر اندیشمندان طرح شده، بیشتر متعلق به رویکرد بازتاب است که در این کتاب مفصل به آن پرداخته شده و خواننده را با پارادایم‌های این رویکرد آشنا می‌کند. گرچه جامعه‌شناسی سینما با نقد فیلم متفاوت است اما خواندن این کتاب می‌تواند به منتقدان فیلم و سینما هم کمک کند تا با نظرها‌های اجتماعی و جامعه‌شناختی با سینما هم آشنا شوند که به نقد و تحلیل فیلم راه می‌دهد. سینما می‌تواند با استفاده از امکانات رسانه‌ای و هنری خود بازتاب خوبی از شرایط جامعه باشد؛ به‌گونه‌ای که بررسی جامعه‌شناختی آثار سینمایی به‌مثابه آثاری که در یک حوزه گفتمانی به وجود آمده است، می‌توان شناخت بهتری از جامعه به دست آورد.

## بازخوانی کارنامه سیاسی امیرعباس هویدا

نگاهی به شماره ۹۲ ماهنامه اندیشه پویا



نرگس کیانی  
خبرنگار گروه فرهنگ

شماره ۹۲ ماهنامه «اندیشه پویا» با پرونده‌ای در جست‌وجوی پاسخ این سوال که «چرا استراتژی اصلاح‌طلبانه‌ی امیرعباس هویدا در وفات تکنوکرات‌ها با شاه شکست خورد؟»، منتشر شد. این پرونده شامل آثاری از جلال توکلیان، احمدبنی‌جمالی، هوشنگ شهبایی، داریوش بایندر و رضا مختاری به‌همراه گزارشی ویژه از مصاحبه‌ها و کاریکاتورهای هویدا در مطبوعات دهه‌های ۴۰ و ۵۰ و مصاحبه‌های میان سعیدلیلاز و فریدون مجلسی در این مورد با عنوان «مردی برای تمام فصول» است. گفت‌وگوی ماه این شماره به مصاحبه با شینا انصاری، معاون رئیس‌جمهور در سازمان محیط‌زیست این گفت‌وگو که در تیرتیر مصاحبه نیز تبدیل شده، این است که اگر چه ظاهرش نمی‌خورد اما جنگنده است. او همچنین اشاره کرده است، در جلسات کمیته‌ی انتخاب رئیس سازمان محیط‌زیست به‌او می‌گفته‌اند که بسیار آرام است و باید مقتدر باشد. انصاری همچنین به تجربه‌ی مبارزه‌اش با سلطان اشاره کرده و افزوده است، ابتدا تلاش می‌کند که مسائل را با گفت‌وگو و جلب مشارکت حل کند اما اگر از این روش پاسخ مناسب را نگیرد، همگان خواهند دید که چگونه می‌جنگد. «داستان سه نسل: هفتادوششی‌ها، پنجاه‌وهفتی‌ها و چهارصدویکی‌ها»، عنوان بخش دیگری از شماره ۹۲ ماهنامه «اندیشه پویا» است که در آن کوشش شده است به این سوال پاسخ داده شود که «آیا دهه پنججاهی‌ها که به نسل هفتادوششی معروف شده‌اند نسلی تمام شده به حساب می‌آیند؟». فرض اساسی این متن آن است که گفت‌وگو یا جدال بین نسلی عملاً این سه گروه در جریان است و خطوط مشخص و احتمالاً قاطعی این سه دسته را از هم متمایز می‌کند. ضمن اینکه به عقیده نگارندگان این بخش، هر یک از این سه گروه خود را در آینه دو دسته دیگر می‌یابند، بنابراین نوشتن از یکی بدون نوشتن از دوئی دیگر بی‌فایده است. بررسی چرایی غیاب تفکر انتقادی و قطعی شدن جامعه ایران در میزگردی با حضور حسین شیخ‌ضایی، بابک عباسی و امیر مازیار، بخش دیگری از تازه‌ترین شماره ماهنامه «اندیشه پویا» است. آن‌ها درباره تفاوت‌ها و تمایزهای نسل دهه پنججاهی و دیدگاه‌هایشان درباره رادیکالیسم و قطعی‌زدگی و تعلیق گفت‌وگو در فضای جامعه ایران؛ گفت‌وگویی که هم‌زمان یک گفت‌وگوی میان‌نسلی نیز هست و انتقال تجربه از نسلی که جوانی خود را با فراز و فرودهای اصلاح‌طلبی سپری کردند و نسل جوان‌تر که همچنان در جست‌وجوی افق‌های جدیدند، صحبت کرده‌اند. همچنین پرونده اصلی این شماره؛ «چرا استراتژی اصلاح‌طلبانه‌ی امیرعباس هویدا در وفات تکنوکرات‌ها با شاه شکست خورد؟» شامل مطالبی از جمله «گزارشی از بازتاب زندگی و کارنامه‌ی سیاسی و فرجام‌تزازیک امیرعباس هویدا در مطبوعات» است. «دندی جهان وطن؛ درباره‌ی شخصیت متفاوت امیرعباس هویدا که با پیپ و عصا و گل آرزیده‌ی روی یقه‌ی کنش شخصیتی معماگونه داشت» به قلم هوشنگ شهبایی، پژوهشگر تاریخ و استاد دانشگاه بوستون، با ترجمه‌ی ابراهیم اسکافی بخش دیگری از این پرونده است. «کتاب کوجه»ی شماره ۹۲ «اندیشه پویا» نیز شامل مطالبی از جمله گفت‌وگو با جواد عزتی به مناسبت کارگردانی «تمساح خونی» است. ضمن این که در این بخش گفت‌وگویی با مهرداد دفترتی به مناسبت انتشار کتاب پرتیر «هائیش؛ چشم درون» با تیتیر «خوابی که تبدیل به پرتیر شجریان شد» و گفت‌وگو با محمدباقر کلاهی اهری به مناسبت انتشار مجموعه شعر «دب و دیوانگی» است. «در تیرس تبلیغات عموزادگان آربابی؛ روایتی از تاریخچه‌ی مدرسه‌ی دولتی ایران‌والمان، مدرسه‌ی ای ملک، بزرگ علوی، ارانی و نواب صفوی در آن درس خواندند» بخش دیگری از مطالب شماره ۹۲ ماهنامه «اندیشه پویا» است. آخرین بخش این شماره، گزارشی از کنسرت‌نمایش «سی صد: گات» با خوانندگی و نوازندگی سهراب پورناظری است که در فضای باز کاخ سعدآباد روی صحنه رفت.

